سنٹرل لائبریری ہمدرد یونیورسٹی
JAMIA HAMDARD
M S S COLLECTION
قسم المخطوطات

891.556
938

JAMIA HAMDARD ★ CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
Acc. No. 222
31/1/02

FUMIGATED

CENT. LIBRARY NEW DELHI
ACC No 222
31/1/02

FUMIGATED

۱۰
ادوک

چنانچه بوف [illegible] کرده و [illegible] و پخته و ساخ کار و
پخته و سنگ سفید جرم بد بو و چند ~~بار~~ [illegible] و دباغت و
دو ساقه [illegible] و جلد مرغ و سفید و سیاه و پستیجان و [illegible]
و جلد تنگ بلمع زر و نقره و قلعی یعنی پینه و چمل و کفی
چند نوبار بیگر و شنیده باز که منتج و
[illegible] موسا زو سامان خویش
چنانچه سفید و [illegible] شیر و بیمار رواز دها و کژدم و هر گونه
زهر فرو دارد چنانچه هر نوع زهر مار گزیده و کژدم و اژدها
و موش و گربه و نهنگ و شغال گزنده و عقور کلب و سگ گزیده
و راسو و بوقلمون و کرفس و موشگیران و گور موش و
خر موش و چلپاسه و سوسمار و سنگ پشت و خارپشت
و کیمی و بوزنه و شیمون و خرگوش نخساده و غوک و ضفدع
و زهر بعض زنبور سیاه و سرخ و کنه و مگس و پشه و مور
[illegible] و گوشت خوک و [illegible] گرد و کوش جونده بر زور و قوت
افسون و رقیه و طلسم [illegible] دها کوشش آرام کرده و مار زهر [illegible]
[illegible] و [illegible] و واقف [illegible] و عنکبوت و سنبل و زرنیخ و
زهر هلاهل و قاتل [illegible] دانسته باشد عملیات طلسمات

چنان دانند که تخم درخت خربوزه و تربوز و امثالها و انبه و غیره
فی الحال پیدا کنند و کلان نمایند و بار در رسانند و ثمر و بر و میوه آنها را
پخته کامل اعاده میان جماعه مردمان قسمت کرده بدهند و بخورانند و همچنین
جوی‌ها و آب و چشمها پیدا کنند و در آن مردمان را غسل کنانند همانطور
کبوتر و سارک و زاغ و غیره پیدا کرده نمایند و سیر و کبک و تیهو و
مار گوناگون هزاران هزار ظاهر سازند و باز [illegible]

تعریف میر شکار

چند نفر میر شکار و عشق باز و صیاد
که هر گونه و هر نوع جانور پرنده همراه دارند چنانچه هزار داستان
و عندلیب و بلبل و فاخته و قمری و طاوس و مرغ زرین و اصیل و گنجشک
سبز قبا و هدهد و شانه و هفت رنگ و شکر خوار و [illegible] و تمار و لکلک و
زاغ و کلاغ و جغد و بوم و خفاش و شب پره و شب پرک و کلنگ
و آتش خواره و سیمرغ و بط و مرغابی
مع دام و قفس و پنجره و کابک و نشیمن و کمندها و حلقه و قلاده
طور از بهر ماهیان گرفتن طیار دارند و گونه گونه کبوتر و [illegible] را
بشناسند چنانچه گره باز و غلطان و ره گیر و دو رو دار
هر گونه رنگ کبوتر هم دارند چنانچه سرنگ و سرخ و
سبزه و سیاه و نیله و فسکه و ملکه و ابلق و کمیت و سپید و

جا بجای [illegible] چنین [illegible] باشد
که بیضه و تخم و جوزه و بچه را لفظ تعمق و تفکر
بعهده از کونه فعل چنین و فلان نوع است مجرب و از [illegible]
کونه صورت پذیر کرده • در تعریف چراغچی • چند نفر
چراغچی [illegible] مشعلچیان مع روغن کنجد و موم و چربه و چراغدانها و
[illegible] نو و مشعلها یک روپیه و دو روپیه و سه ۳ روپیه
و چهار روپیه و پیل سوز و چراغدان و شمعدان و فتیلها و شمعها
در تعریف هیزم شکن • چند نفر کناسی و جلالخور و جاروب کش
و جلاد که حویلی و سرای و دواب را جاروب دهد و از خس و خاشاک
پاک نماید و از [illegible] کرسیان جای آبخور و بیت الخلا را صاف کرده
بر بید و زبل سپید بر نخود بدر انداز [illegible]
جای توده خاشاک انداز و طهارتخانه پاک کنند و از طویله [illegible] از
دانه بیابد و جلاد بار سن چنین که گناهکار را گردن زنند
و دار کشند و خفه دهد و چهار میخه کرده نوبت برآورده [illegible]
خونخوار • در تعریف هیزم شکن • چند نفر هیزم شکن و هیمه شکافی
مع تیر و بارکش و ریسمان • در تعریف کاهی • چند نفر
کاهی و کاه نرم و دارش و منجل با بارکش و ریسمان یکم پشتاره